

فلسفه عزاداری
مهدی آقابابایی


بسم الله الرحمن الرحیم

فلسفه عزاداری

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فلسفه عزاداری

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور:فلسفه عزاداری/ مهدی آقابابایی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: امام حسین (ع) – عزاداری

مقدمه

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و الصلاه وَ السَّلَامُ عَلَیَّ أَشْرَفَ الْمُرْسَلِینَ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفِی وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ).

در حدیث شریف نبوی که شیعه و سنی آن را روایت نموده‌اند پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمودند:

«حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْن». (۱)

یعنی:

(حسین از من و من از حسینم).

این حدیث دارای دو بند است:

بند اول:

«حُسَیْنٌ مِنِّی» این قسمت واضح و روشن است.

زیرا امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام فرزند دختر رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و نوه‌ی آن حضرت است.

بند دوم:

«و أَنَا مِنْ حُسَیْن» علماء این بند را چنین معنی کرده‌اند که: بقاء رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به بقاء دین او «اسلام» است و بقاء اسلام مرهون جهاد امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و فداکاری او در راه خداست.

اگر جریان عاشوراء و فداکاری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و یاران و اهل بیتش در راه اسلام نبود، بنی‌امیه قرن‌ها پیش، اسلام را از بین برده بودند!

روی این حساب است که بقاء پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم نیز از حسین عَلَیْهِ السَّلَام است.

بنا بر این حسین عَلَیْهِ السَّلَام از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم است که فرزند اوست.

و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از حسین عَلَیْهِ السَّلَام است که بقاء حضرتش از اوست.

همان گونه که دانشمندی بزرگ در این باره گفته است:

«اَلاِسلامُ مُحَمَّدیُّ الوُجودِ وَ حُسینیُّ البَقاءِ».

یعنی:

«پیدایش اسلام از محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و بقاء آن از حسین عَلَیْهِ السَّلَام است».

از این رو ما درک می‌کنیم که بقاء اسلام در عصر حاضر نیز بستگی به حمایت از نهضت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و زنده نگاه داشتن

انقلاب آن حضرت، هر چه با شکوه‌تر برگزار کردن مجالس سوگواری و عزاداری حضرتش دارد و زنده نگاه داشتن نهضت آن حضرت جز با پاسداری از شعائر حسینی که برنامه‌ی شیعیان در هر کجا از جهان پهناور در ایام عاشورا و دیگر ایام است، امکان پذیر نیست.

زیرا شعائر حسینی یک نوع ممارست عملی و همه جانبه از داستان عاشوراء و فاجعه‌ی کربلا و فداکاری حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در راه دین است و این شعائر است که در وجود انسان‌ها روح حسینی و اسلامی را زنده می‌سازد.

اگر این شعائر متروک شود انقلاب حضرت به دست فراموشی سپرده خواهد شد و به دنبال آن اسلام از بین خواهد رفت.

با این بررسی مختصر به این نتیجه می‌رسیم که برگزاری مجالس عزاء حسین عَلَیْهِ السَّلَام همه ساله و در هر منطقه یک نوع واجب کفاییست و در گذشته بعضی از بزرگان فقهاء و مجتهدین به وجوب آن فتوی داده‌اند و علت وجوب آن هم روشن شد که بقاء اسلام مرهون نهضت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و بقاء نهضت آن حضرت تنها با شعائر حسینی است، بنا بر این با بر پا داشتن شعائر حسینی سبب بقاء اسلام است و شاید معنی واقعی فرموده‌ی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم که فرمودند:

«حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْن» همین باشد که اشاره شد.

سوگواری سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام از شعائر الهیست

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«و مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوب». (۲)

یعنی:

هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد آن نشانه یروح تقویست.

«شعائر جمع شعیره به معنی علامت است».

یعنی:

هر کس نشانه‌های الهی را بزرگ دارد نشان از تقوای روح است و نشانه‌های خدا: هر چیزیست که انسان را به سوی خدا راهنمایی کند.

پس نماز جزء نشانه‌های خداست، نماز جماعت از نشانه‌های خداست، حج از نشانه‌های خداست.

پیامبر و امام از نشانه‌های خدایند، بزرگداشت آنان، بزرگداشت نشانه‌های خدا و زنده نگاه داشتن یاد و راه و روش آنان، همه از نشانه‌های خداوند است.

بنا بر این، ذکر مصیبتهای حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام و بر گزاری هر گونه عزاداری آن حضرت جزء شعائر الهی و نشانه‌ی خداوند است، زیرا این مجالس و یادبودهاست که مردم را به سوی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و در واقع به سوی اسلام فرا می‌خواند و این مجالس تعظیم شعائر و نشانه‌ی تقوای روح است و از این روست که تمامی مراجع تقلید و فقهاء در طول تاریخ شیعه به رجحان اقامه‌ی شعائر حسینی و استحباب برگزاری آن فتوی داده و همواره بر هر چه با شکوه‌تر شدن آن تاکید داشتند.

چکیده

جزوه‌ای که پیش رو دارید پیرامون ماهیت عزاداری و فلسفه‌ی عزاداری که چرا اصلًا انسان باید عزاداری نمود، ثمرات عزاداری که چه ثمره‌هایی دارد که شیعه و محب در هر کجای ایران و اقصی نقاط دنیا می‌باشد به عزاداری بپردازد و در پایان هم روایاتی که از لسان مطهر و نورانی اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام درباره‌ی عزاداری آمده است را بیان نموده‌ام. انشاء الله مورد رضایت حق تعالی باشد و از شعائر الله و شعائر امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام و چراغ راه همگان قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

عزاداری: شکیبایی کردن، شکیبایی در مصیبت

شعائر: جمع شعیره به معنای علامت.

فصل اول؛ تعریف ماهیت عزاداری

تعریف عزاداری

عزاء در لغت به معنای شکیبایی کردن، شکیبایی در مصیبت، سوگواری، تعزیت سوگ و ماتم می‌باشد.

(۲)

و هم چنین به معنای سنگینی، وقار، متانت، تسلی، غمگساری، دلداری و مراسم عزاداری می‌باشد.

(۳)

و در لغت نامه دهخدا آمده است که: عزا گرفتن به معنای زاری و شیون کردن و به حالت ماتم زدگان در آمدن و برای سوگ و مصیبت، لباس در بر کردن و به معنای اقامه سوگواری به سبب مرگ کسیست.

(۴)

ماهیت عزاداری

امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا و اخْتَارَ لَنَا شِیعَةً یَنْصُرُونَنَا یَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا و یَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا و یَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِینَا أُولَئِکَ مِنَّا وَ إِلَیْنَا».

خداوند روی کره زمین، ما را انتخاب کرد و برای ما شیعه را انتخاب کرد. شیعیان ما علامتشان اینست که ما را نصرت و یاری می‌دهند، برای شادی ما جشن می‌گیرند، برای غم ما غمناکند). روز عاشوراء خرج (می‌کنند)، عید غدیر خرج (می‌کنند)، اینهایی که به عشق اهلبیت عَلَیْهِمُ السَّلَام شادند و به عزای اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام غمناکند و ... اینها از ما هستند و به سوی ما می‌آیند. (۵)

عزاداری نوعی مودت است مثل این که کسی گلی به ما بدهد و ما باید از او تشکر کنیم، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ما را از بت پرستی و آتش پرستی و خرافه پرستی، نجات داد و مسلمان شدیم، مزد پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چیست؟

که من هیچ مزدی نمی‌خواهم، تنها مزدی که من می‌خواهم الموده فی القربی (۶) است، مزد من فقط اینست که اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام من را دوست داشته باشید و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در جای دیگر می‌فرماید:

مزدی که من می‌خواهم اینست که در راه خدا بروید:

«إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلًا سبیلًا» (۷) حال با توجه به دو آیه‌ی فوق که حضرت در یک جا می‌فرمایند:

مزد من فقط راه خداست و در جای دیگر می‌فرمایند که: مزد من فقط مودت اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام است از این رو باید گفت: راه خدا جز راه اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام و مودت آنها نیست.

ریشه‌های عزاداری در قرآن

از نظر قرآن، عزاداری ریشه‌هایی دارد. اولین روضه‌خوان، خود خداوند است.
خداوند در سوره بروج آیات ۴ تا ۸ می‌فرماید:
«قُتِلَ أَصْحابُ الْأُخْدُود، النَّارِ ذاتِ الْوَقُود، إِذْ هُمْ عَلَيْها قُعُود و هُمْ عَلى ما يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنينَ شُهُود و ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلاَّ أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَميد».
مرگ بر اصحاب اخدود، اصحاب اخدود کیانند؟ (کسانی هستند که) گودالی کندند و مؤمنین را (داخل گودال) ریختند و سوزاندند و (خودشان) بالای گودال تماشا می‌کردند.
قرآن می‌فرماید:
(که این مؤمنین) فقط به جرم این که مؤمن بودند سوخته شدند. قرآن (در اینجا) روضه‌ی سوخته شدن این مظلومین مؤمن را می‌خواند. پس اولین روضه خود قرآن (خوانده) است.
(اولین روضه‌خوان سیدالشهداء هم جبرئیل می‌باشد آن موقعی که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام خدا را به اسمای پنج تن قسم داد).
قرآن می‌فرماید:
«و كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِير» چه پیغمبرانی بودند و چه یاران مخلصی داشتند این یاران مخلص، تلاش و جهاد می‌کردند، خسته نمی‌شدند، سست نمی‌شدند و تا آخرین نفس و تا آخرین تیر خود قیام کردند یعنی قرآن دارد از ایثار آنها تعریف می‌کند. (۸)
قرآن می‌فرماید:
«و اذْكُرْ فِي الْكِتابِ إِبْراهِيمَ» ابراهیم فداکاری کرد و تو ای پیغمبر مأموری یاد ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را گرامی بداری. (۹)
و اذْكُرْ فِي الْكِتابِ مَرْيَمَ
ای پیغمبر! تو مأموری که نام مریم و سخنهایی که به او چسبیده شده بیان کنی. (۱۰)
قرآن روضه می‌خواند و می‌گوید:
إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَت و إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَت و إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ و إِذَا الْعِشارُ عُطِّلَت و إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَت (۱۱)
روز قیامت که نور خورشید گرفته می‌شود دریاها به جوش می‌آید و مردم پا به فرار می‌گذارند، آن روز «إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَت بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَت» (۱۲) سؤال می‌شود که به چه گناهی این مظلوم را کشتید؟ پس در سوره شمس هم روضه خوانده شده است.

فصل دوم فلسفه‌ی عزاداری (چرا باید عزاداری کرد)؟

۱ – زنده نگه داشتن مکتب اسلام

ائمه طاهرین عَلَيْهِمُ السَّلَام نور واحد هستند و هدف آنها یکی است؛ که عبارت است از تلاش و کوشش، نثار و ایثار، برای احیای دین و روشن نگه داشتن چراغ مکتب. از این رو نگه داشتن نام و یاد هر کدامشان، باعث زنده ماندن اصل مکتب الهیست.
لیکن سالار شهیدان عَلَيْهِ السَّلَام خصوصیتی دارد که زنده نگه داشتن نام و یاد او، تاثیر بسزایی در زنده نگه داشتن مکتب اسلام دارد. (۱۳)
روضه‌ی سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام برای حفظ مکتب سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام است.
آن کسانی که می‌گویند روضه‌ی سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام را نخوانید، اصلًا نمی‌فهمند مکتب سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام چه بوده و نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها این مکتب را حفظ کرده (است). الآن هزار و چهارصد سال است که با این منبرها، این

روضه‌ها، این مصیبت‌ها و این سینه زنی‌ها، ما را حفظ کرده‌اند.

(۱۴) آنها توصیه کردند که عزای حسین بن علی علیهما السلام باید زنده بماند، برای این بود که هدف حسین بن علی علیهما السلام مقدس بود.

حسین بن علی علیهما السلام یک مکتب را به وجود آورد، می‌خواستند مکتبش زنده بماند. (۱۵) اصلًا حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَام چه احتیاجی به گریه (ما) دارد (این که) ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام این قدر اصرار کردند به این که مجمع داشته باشید، گریه بکنید، چه بکنید، برای اینست که این مذهب، ما را حفظ می کند.

(۱۶)

۲ – دعوت به دین

سوگواری برای اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام دعوت گاهیست به سوی دین، به نیکوترین وجه و بهترین برنامه و سلاحی برای اسلام است که خواب آلودگان را بیدار می کند و نادانان را از مستی به هوش می‌آورد و جان‌های تشنه را سیراب می کند و در دل‌ها اثر می گذارد و نشانه‌های رسالت آیات اسلام، دلائل دین، حجت‌های مسلمانان، روش پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، خصلت‌های علی عَلَیْهِ السَّلَام و مصیبت‌های اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، شکیبایی آنان بر آزارها و کلمه‌ی اعلای خداوند را به مردم نشان می‌دهد و می آموزد. (۱۷)

۳ – اجر رسالت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

مجالس عزاداری اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، یک مجمع عظیم اسلامِی و سمینار عالی شیعه است که به نام پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و دودمانش تشکیل می‌شود و در آن به ریسمان خداوند و کتاب و سنت، دو اصل باقی مانده گران بهای پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چنگ زده می‌شود و در این مجامع شیعیان جمع می‌شوند تا اجر رسالت را به دوستی دودمان پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بپردازند و اهداف عالیه اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام را زنده سازند. (۱۸)

۴ – آشنایی و پیوند دل‌ها با ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام و فراگیری راه آنها

مجالس عزاداری برای اینست که دل‌های ما را با حسین بن علی علیهما السلام و هدف آن بزرگوار نزدیک و آشنا می کند.

در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزا و دسته‌های عزاداری به راه انداختن از اموریست که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پر جوش می کند و بسیار خوب است.

(۱۹) (از این رو) ملت عزیز ما در ایام محرم و صفر باید روح حماسه، روح عاشورایی، روح نترسیدن از دشمن، روح توکل به خدا و روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خودشان تقویت بکنند.

از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام مدد بگیرند. این مجالس عزاداری برای اینست که دل‌های ما را با حسین بن علی علیهما السلام و اهداف آن بزرگوار نزدیک و آشنا بکند، راه آنها را فرا بگیریم. یک عده کج فهم نگویند که امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شکست خورد، نگویند امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام معنایش اینست که همه‌ی ملت ایران کشته بشوند. کدام انسان نادانی ممکن است چنین حرفی را بزند. یک ملت باید از حسین بن علی علیهما السلام درس بگیرد، یعنی از دشمن نترسد، به خود متکی باشد، به خدای خود توکل کند بداند که اگر دشمن با شوکت است، این شوکت ناپایدار است، بداند اگر جبه‌ی دشمن به ظاهر گسترده و قویست امام توان واقعی‌اش کم است.

(۲۰)

۵ – منفور شدن فکر و راه یزید و یزیدیان عصر

سر این که سفارش کرده‌اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید و نسبت به اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام تولی داشته و بر آنان صلوات و درود بفرستید و از دشمنان تبری بجوئید، برای آن است که طرز فکر معاندانِ ایشان، منفور شود و گر نه هم اکنون سخن از معاویه و یزید نیست تا آنان را لعنت کنیم. نام و یاد آنها رخت بر بسته و قبرشان زباله دانی ای بیش نیست، الآن سخن از فکر و راه یزید و یزیدیان عصر است.

(۲۱) لعن و نفرین از بی‌داد بنی‌امیه (لعنت الله علیهم)، با آن که آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد ستم شکن است.

(۲۲)

زن فرعون وقتی که به درگاه الهی دعا کرد نگفت:

خدایا مرا فقط از فرعونیان نجات بده بلکه گفت:

«رَبِّ ابْنِ لی عِنْدَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ و نَجِّنی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ و نَجِّنی مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمینَ». (۲۳)

یعنی مرا از فرعون و فرعونیان که طرفداران سنت سیئه و رفتار ناپسند او هستند نجات بده. (۲۴)

آنچه مورد اعتقاد سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام بود و بر همان مبنا، مبارزه خود را بنا کردند و قیام کردند این بود که در نظام هستی حق پیروز است، خواه از قدرت مادی برخوردار باشند یا نه و نیز باطل محکوم به شکست است.

آنچه مبنای امویان بود و بر همان مبنا حکومتشان را بنا کردند، این بود که هر که قدرت مادی دارد پیروز است، خواه با حق همراه باشد یا نه و گر نه محکوم به شکست است؛ هر چند حق باشد.

این دو طرز فکر که همراه بوده و هست، از دو نوع جهان‌بینی نشأت می گیرد، کسی که جهان را در ماده خلاصه می کند و اصالت را به ماده می‌دهد، هر جا جریان طبیعت، بیشتر حضور داشت آنجا محو قدرت تلقی می‌شود و در آن محور قیام و قعود و عزل و نصب و عزت و ذلت دور می‌زند ولی کسی که جهان‌بینی را بر اساس حقیقت هستی تنظیم کرده است، اصالت را به معنا می‌دهد و در محور حق حرکت می کند، این گروه حق محورند در قبال دیگران که ماده محورند.

خلاصه آنکه در جهان هستی، باطل نه اثری دارد و نه دوامی، سراسر جهان بر اساسِ حکومتِ حق تنظیم شده است و نیز در جریان حکومت‌ها، حق باطل را سرکوب می کند و سخن مؤمنان جنگجو نیز همین است، «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثیرَةً بِإِذْنِ اللّه». (۲۵)

بر این مبنا اگر حق با کسی بود، وی از تنهایی یا کمی یاری کننده وحشتی ندارد، بلکه همه‌ی تلاش او در این خلاصه می‌شود که حق را بشناسد و نیز در شناخت حق محقق باشد، نه مقلد و پس از شناخت حق به خود حق، متصف و متحقق شود اگر متحقق به حق شد، یقینًا ثابت و پیروز است و هرگز شکست نمی‌خورد و باید از باطل بپرهیزد و پس از شناخت باطل، قهرًا آن را سرکوب خواهد کرد.

تفکر مردان حق اینست که جهان در محور طبیعت خلاصه نمی‌شود و نیز اگر بطلانی است فقط در قلمرو حرکت و ماده است اما کسانی که می گویند «ما هِیَ إِلَّا حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیا و ما یُهْلِکُنا إِلَّا الدَّهْر» (۲۶) محصول معرفت شناسی حسی و تجربی آنها اینست که جهان آفرینش جز ماده و طبیعت چیز دیگری نیست. (۲۷)

۶ – حسینی منش شدن، ظلم نکردن و نپذیرفتن ظلم

مجالس عزا از آن وقت به امر حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام و به سفارش ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام (بر پا شده است) ما که این مجالس عزا را بر پا می‌کنیم، داریم همان مسأله را می‌گوییم، ایستادگی در مقابل ظلم. ما (قضیه کربلا را) زنده نگه داشتیم، خطبای ما قضیه کربلا را زنده نگه داشتند، قضیه مقابله یک دسته کوچک - با ایمان بزرگ - در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ.

این که سفارش فراوان به اشک ریختن و عزاداری کردن نموده‌اند برای آن است که اشک بر شهید، اشتیاق به شهادت را همراه دارد، خوی حماسه را در انسان زنده و طعم شهادت را در جان او گوارا می‌گرداند. چون اشک، رنگ کسی را می‌گیرد که برای او ریخته می‌شود و همین رنگ را به صاحب اشک نیز می‌دهد. از این رو انسان حسینی منش، نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد.

این که عده‌ای به فکر ظلم کردن یا ظلم پذیری هستند برای آن است که خوی حسینی در آنها نیست و گر نه شیعه خاص حسین بن علی علیهما السلام نه ظلم می‌کند و نه ظلم می‌پذیرد. آن کسی که ظلم پذیر است اموی مسلک است، چنانکه ظالم هم اموی صفت است هر چند که زمزمه، «یا حسین عَلَيْهِ السَّلَام» بر لب داشته باشد.

(۲۸)

۷ - فراموش نکردن ارزش‌ها

اگر از ما بپرسند شما در روز عاشورا که حسین حسین می‌کنید و به سرتان می‌زنید چه می‌خواهید بگویید؟ باید بگوییم ما می‌خواهیم حرف آقایمان را بگوییم. ما هر سال می‌خواهیم تجدید حیات بکنیم:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُول إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْيِيكُم» (۲۹)

باید بگوییم عاشورا روز تجدید ماست.

در این روز می‌خواهیم در کوثر حسینی شنا کرده، پاک و بی آلایش شویم، تجدید حیات کنیم، روح خودمان را شستشو دهیم، خودمان را از نو زنده کنیم، مبادی و مبانی اسلام را بیاموزیم روح اسلام را از نو به خودمان تزریق کنیم. ما نمی‌خواهیم حس امر به معروف و نهی از منکر، احساس شهادت، احساس جهاد، احساس فداکاری در راه حق در ما فراموش بشود، نمی‌خواهیم روح فداکاری در راه حق، در ما بمیرد. این فلسفه عاشوراست، نه گناه کردن و بعد به نام حسین بن علی علیهما السلام بخشیده شدن! گناه بکنیم بعد در مجلسی شرکت بکنیم و بگوییم گناهانمان بخشیده شد.

گناه آن وقتی بخشیده می‌شود که روح ما پیوندی بخورد با روح حسین بن علی علیهما السلام، اگر پیوند بخورد، گناهان ما قطعًا بخشیده می‌شود. ولی علامت بخشیده شدنش اینست که دیگر دنبال آن گناه نمی‌رویم. اما (این که وقتی) از مجلس حسین بن علی علیهما السلام بیرون (می) رویم و دوباره دنبال آن گناهان برویم، نشانه اینست که روح ما با روح حسین بن علی علیهما السلام پیوند نخورده است.

(۳۰)

فصل سوم ثمرات عزاداری

اشاره

شرکت در مراسم مذهبی و عزاداری‌ها، ثمرات بسیاری دارد از جمله:

۱ - حفظ مکتب اسلام

گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است.

لـذا در روایت هست: کسـی که (خودش) گریه بکنـد یا (دیگری را) بگریانـد یا خودش را به صورت گریه دار (در آورد) جزایش بهشت است، برای آن است که حتی آن (کسی) که به صورتش، یک حال حزن می‌دهد و صورت گریه دار به خودش می‌دهد این (فرد) دارد نهضت را حفظ می‌کنـد، نهضت امام حسـین عَلَیْهِ السَّلَام را حفظ می‌کنـد بیخود نبود که مأمورین ساواک رضاخان، تمام مجـالس عزاداری را قـدغن کردنـد رضـا خان همچون نبود که (در) اصل و اساس مخالف با این مسائل بشود، رضا خان مأمور بود، مأمور بود برای آنهایی که کارشـناس بودند آنهایی که ملتفت بودند مسائل را، دشمن‌های ما که حال ملت‌ها را مطالعه کرده بودند، می‌دیدنـد که تـا این مجـالس هست و تـا این نوحه سـراییها برای مظلوم هست و تـا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌تواننـد به مقاصـد خودشان برسند. (۳۱)

۲ – تطهیر جان و تهذیب نفس:

(از فوائد دیگر) حضور در مراکز مذهبی، اثر شگرف آن در تطهیر جان و تهذیب نفس است.

قرآن کریم در مورد این مراکز می‌فرماید:

که در آنجا مردمانی هسـتند که تطهیر ضـمیر و صـفای دل را دوست می‌دارند. «فِیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أنْ یَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِین». (۳۲) (۳۳)

۳ – آشنایی با جهان‌بینی و نشر معارف توحیدی و نشر معارف اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام در بین مردم

اگر به هیـچ یـک از اینهـا دست نیـافت، دست کم از همنشـینی بـا عالمـان بر خـوردار می‌شود و مشـکلاتش را در حضور آنـان رفع می‌کند یا گرفتار مشکلات تازه نمی‌شود. (۳۴)

(ازجمله دیگر فوائد) شرکت در مراسم مذهبی و عزاداری سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام می‌توان به این فرمایش حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام (اشاره کرد که) فرمودند:

«من اتانا لم یعدم خصله من اربع: آیَهً مُحْکَمَهً وَ قَضِیَّهً عَادِلَهً وَ أَخًا مُسْتَفَادًا و مُجَالَسَهُ الْعُلَمَاء». (۳۵)

کسـی که به سوی ما بیاید – یعنی در مجالس مذهبی حضور یابد - کتاب‌های مربوط به ما را بخواند و سنت و سیرت ما را بیاموزد، از (چند) فائده بهره‌مند می‌شود (یکی از آنها این که) با آیات محکم الهی و جهان‌بینی و معارف توحیدی آشنا می‌شود. (۳۶)

۴ – آموختن داستان‌های عدالت آموز و تعدیل امور و قوا. (۳۷)

۵ – فراگیری آداب دوستی و برادری

«وَ أَخًا مُسْتَفَادًا» اگر ادراک او در مرحله‌ی پـایین‌تری بود، همـاهنگی اجتمـاعی و آداب برادری و دوسـتی و آیین داد و سـتد را فرا می‌گیرد.

(۳۸)

۶ – مجالست با علماء

«و مُجَالَسَهُ الْعُلَمَاء»

اگر به هیچ یک از اینها دست نیافت، دست کم از همنشینی با عالمان بر خوردار می‌شود و مشکلاتش را در حضور آنان رفع می‌کند یا گرفتار مشکلات تازه نمی‌شود. (۳۹)

۷ – نشر معارف اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام در بین مردم

مجالس عزاداری اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، روح معارف را در دل‌های مسلمانان بر می‌انگیزد و علوم و دانش‌ها به برکت این مجالس، نشر می‌گردد و در صورتی که از روی اصول صحیح اجرا شود، می‌توان گفت بهترین مدرسه برای مردم عوام است که در آن به انوار حکمت‌ها به واسطه گفتار عالی پیشوایان آشنا می‌شوند و از این مجالس صدف‌های روشن پیشوایان را دریافت می‌دارند و به عبرت‌های گوناگون واقف می‌گردند و به احادیث و تفسیر و فقه آشنا می‌شوند و آنچه را لازم دارند و ناچارند بیاموزند، فرا می‌گیرند؛ بلکه این مجالس تنها مدرسه‌ای برای عوامِ مردم در تمام شهرهای اسلامیست.
(۴۰)

۸ – بی‌اهمیت جلوه گر شدن مصائب و دردهای خود

اگر انسان به یاد مصیبت اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بیفتد، در مقابل مصائب دیگر، تسکین پیدا می‌کند و در برابر اندوه‌های دیگر تسلی داده می‌شود زیرا مصائب دیگر در مقابل مصائب اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بی‌اهمیت جلوه می‌کند و اگر انسان به یاد مصائب آنها باشد، دردها و رنج‌های خود را فراموش می‌نماید، چنان که در رثای ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام به این موضوع اشاره شده است:
«انست رزیتکم رزایانا التی سلفت و هونت رزایانا الآتیه»
یعنی ای دودمان پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، مصائب شما دردهای گذشته ما را فراموش ساخت و مصائب آینده‌ی ما را آسان گردانید. (۴۱)
(البته باید توجه داشت که) هر حادثه تلخ و ناگواری را باید بهانه کرد و برای سالار شهیدان عَلَیْهِ السَّلَام اشک ریخت، نه آن که افراد داغ دیده، برای تسکین عواطف و احساسات خود آن حضرت را بهانه کنند و برای التیام زخم خویش، اشک بریزند و ندبه نمایند (چه این که) بین این دو گونه عزاداری فرق وافر است! زیرا محصول یکی، تعزیت برای حضرت امام حسین عَلَیْهِمُ السَّلَام است و نتیجه دیگری تسلیت برای خود هر چند ممکن است بهانه قرار دادن واقعه جانسوز کربلا هم بی‌اثر نباشد.
(۴۲)

فصل چهارم عزاداری از دیدگاه روایات

اشاره

احادیث ائمه معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَام در مورد عزاداری
ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام طبق احادیثی که در کتب معتبر شیعه موجود است سفارش زیادی روی بر پایی این جلسات عزا و زیارت قبور منورشان داشته‌اند.
شیعیان هم که همه دستورات اسلام اعم از اصول و فروع و اخلاق را از ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام می‌گیرند به پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام این مجالس و روضه و مصیبت را از صدر اسلام تا به امروز برپا نموده‌اند و در آینده هم بر پا خواهند نمود، که به تعدادی از این احادیث در این جا می‌پردازیم:

۱ – حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی اطلعَ الی الارض و فَاخْتَارَنَا و اخْتَارَ لَنَا شِیعَةً یَنْصُرُونَنَا و یَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا و یَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا و یَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فینا، أُولَئِکَ مِنَّا وَ إِلَیْنَا».

خداوند بزرگ وقتی که عنایت و توجه به زمین نمود ما را به عنوان اولیاء خود برگزید و برای ما هم پیروانی (شیعیانی) جهت یاری ما انتخاب کرد که آنان در شادی ما شاد و در غم ما محزون می‌باشند و اموال و جان خویش را در راه ما می‌بخشند اینان از ما هستند و به سوی ما باز خواهند گشت. (۴۳)

۲ – امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«قولوا لاولیائنا یهتمون فی اقامه مصائبنا».

به دوستان و شیعیان ما بگویید:

در اقامه و بر پایی (مجالس) عزا و مصیبت‌های ما همت و کوشش نمائید. (۴۴)

۳ – امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام به فضیل فرمود:

«عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام قال:

قَالَ لِفُضَیْلٍ: تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟

قال:

نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ تِلْکَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا فَأَحْیُوا أَمْرَنَا یَا فُضَیْلُ! فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْیَا أَمْرَنَا یَا فُضَیْلُ مَنْ ذَکَرَنَا أَوْ ذُکِرْنَا عِنْدَه فَخَرَجَ مِنْ عَیْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ و لَوْ کَانَتْ أَکْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْر»

آیا مجالس حدیث دارید؟ فضیل گفت:

بله، فدای شما شوم. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

این مجالس را دوست دارم، پس دستورات ما را (با این مجالس) زنده کنید. ای فضیل، خدا رحمت کند کسی که سخن ما را زنده کند، ای فضیل کسی که مصائب ما را بگوید یا برایش بگویند سپس از چشمش به اندازه بال پشه اشکی خارج شود، خداوند گناهان او را می‌بخشد اگر چه از کف دریا بیشتر باشد.

(۴۵)

۴ – امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«من یذکر مصائبنا و بکی لما ارتکب منا کان معنا فی درجاتنا یوم القیامه و من ذکر بمصابنا فبکی و ابکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون و من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب».

کسی که مصائب ما را بیان کند و بر آن بگرید، روز قیامت با ما می‌باشد و کسی که مصیبت‌های ما برایش بیان شود و بگرید یا بگریاند روز قیامت که همه‌ی چشم‌ها گریان است، چشم او گریان نخواهد بود و کسی که در مجلسی که احادیث و سخنان ما بیان می‌شود بنشیند روز قیامت که همه دل‌ها مرده خواهد بود دل او زنده است.

(۴۶)

۵ – امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لدمٍ سُفکَ لنا أَوْ حَقٍّ لَنَا نُقِصْنَاهُ أَوْ عِرْضٍ انْتُهِکَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَّأَهُ الله تعالی فی الجنه حُقبا».
هر کس در راه مـا به خـاطر خونی که از مـا ریخته شـده است، یـا حقی که از ما به تاراج رفته، یا پرده آبروی و حیثیتی که از ما و یا یکی از شیعیان ما دریده گشته، قطره اشکی بریزد خداوند سبحان پاداش او را سال‌های زیاد در بهشت قرار خواهد داد. (۴۷)

۶ – امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَب
«نَفَسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ و هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ و كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثم قال عَلَيْهِ السَّلَام:
يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَب».
نفس شـخص اندوهگین به خاطر ظلمی که بر ما شده است تسبیح (سبحان الله گفتن) و ذکر است و اندوه او به خاطر ما عبادت است و پوشاندن اسرار ما جهاد در راه خداست، سپس فرمود:
لازم و زیبنده است که این حدیث با طلا نوشته شود. (۴۸)

۷ – اما جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«عن ابی عبدالله قال:
قال لی: یا اباعماره انشدنی فی الحسین بن علی. قال فانشدته فبکی ثم انشدته فبکی قال:
فوالله ما زلت انشده و یبکی حتی سمعت البکاء من الدار. قال:
فقال:
یا اباعماره من انشدنی الحسـین بن علی علیهما السـلام شـعرًا فابکی خمسین، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعرًا فابکی ثلاثین، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعرًا فابکی عشرین، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعرًا فابکی عشره، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعرًا فابکی واحداً، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعراً، فله الجنه و من انشد فی الحسین شعرًا فتباکی، فله الجنه.
ابوعماره گفت:
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به من فرمود:
درباره‌ی امام حسـین عَلَيْهِ السَّلَام برای من شـعر بخوان. من هم شـعر خوانـدم، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گریه نمود. دوباره شـعر خواندم امام عَلَيْهِ السَّلَام مجددًا گریه نمود. بعد ابوعماره گفت:
هر وقت برای امـام عَلَيْهِ السَّلَام شـعر می‌خوانـدم آن حضـرت چنان گریه می‌نمود که صـدای گریه اهل بیت امام عَلَيْهِ السَّلَام را هم از درون منزل می‌شنیدم.
بعد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
ای ابو عماره هر کس درباره‌ی امام حسـین عَلَيْهِ السَّلَام شـعر بگوید و ۵۰ نفر را بگریانـد، پـاداش او بهشت است و هر کس درباره‌ی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شعر بگوید و ۳۰ نفر را بگریاند، پاداش او بهشت است.
حسـین عَلَيْهِ السَّلَام شـعر بگوید و ۲۰ نفر یـا ۱۰ نفر و یـا یـک نفر را بگریانـد، پـاداش او بهشت خواهـد بود و هر کس درباره‌ی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شعر بگوید و خود بگرید و یا حالت عزا به خود بگیرد، مزد او بهشت می‌باشد.

(۴۹)

۸ – حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

«لمّا اخبر النبی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ابنته فاطمه بقتل ولدها الحسین و ما یجری علیه من المحن بکت فاطمه بکاء شدیدًا و قالت یـا ابت متی یکون ذلـک؟ قـال فی زمـان خـال منی و منـک و من علیٍ، فاشـتد بکاء هاو قالت: یا ابت فمن یبکی علیه؟ و من یلتزم به اقامه العزاء له؟

فقال النبی: یا فاطمه، ان نساء امتی یبکون علی نساء اهل بیتی و رجالهم یبکون علی دجال اهل بیتی و یجـددون العزاء جیلًا بعـد جیلٍ، فی کل سـنهٍ. فاذا کان القیامه تشـفعین انت للنساء و انا اشـفع للرجال و کل من بکی منهم علی مصاب الحسـین اخـذنا بیده و او خلناه الجنه.

یا فاطمه کل عین باکیه یوم القیامه الا عین بکت علی مصاب الحسین فانها ضاحکه مستبشره بنعیم الجنه». (۵۰)

هنگامی که رسول خـدا صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَـلَّم خبر شـهادت امام حسـین عَلَیْهِ السَّلَام و مصائبی که بر آن حضـرت وارد می‌شود برای حضـرت فاطمه سَـلَامُ اللهِ عَلَیهَا بیان کرد، حضـرت فاطمه سَـلَامُ اللهِ عَلَیهَا گریه شدیدی نمود بعد از پیامبر صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم سؤال نمود، پدرم این واقعه در چه زمانی است؟

پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

در زمانی این حادثه واقع می‌شود که من و تو و علی عَلَیْهِ السَّلَام نیستیم، گریه حضرت فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا بیشتر شد و فرمود:

پدرم پس چه کسی بر حسینم گریه خواهد کرد؟ و چه کسی مجالس عزا برای پسرم بر پا می‌کند؟

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

ای فاطمه زنان امت من بر زنان اهل بیتم گریه می‌کننـد و مردان امتم بر مردان اهل بیتم گریه می‌کنند و این عزاداری را هر سال بر پا می‌کنند.

(و پـاداش این عزاداری‌هـا اینست که) روز قیـامت تو برای زنان امتم شـفاعت می‌کنی و من هم برای مردان و هر کس از امت من بر مصیبت حسین عَلَیْهِ السَّلَام گریه کرده باشد، این چشم روز قیامت خندان است و بشارت بر او به نعمت‌های بهشتی باد.

۹ – امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

راوی می‌گوید:

مـا گروهی از مردم کـوفه در حضور امـام صـادق عَلَیْهِ السَّلَـام بودیم، جعفر بن عفـان که شـاعر بود به محضـر امـام عَلَیْهِ السَّلَـام او را نزدیک خود قرار داد. بعد امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

ای جعفر، شاعر گفت:

بله خداوند مرا فدای شما کند.

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

اطلاع به من رسیده که شما شعر خوب درباره‌ی (جدم) امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام می‌گویی؟ جعفر گفت:

بله.

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

برایم شعر بخوان.

شاعر گفت:

من شعر خواندم، امام عَلَیْهِ السَّلَام و اطرافیان شروع به گریه نمودند، بعد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«یا جعفر و الله لقد شهدت ملائکه الله المقربون ههنا یسمعون قولک فی الحسین عَلَیْهِ السَّلَام و لَقَدْ بَکَوْا کَمَا بَکَیْنَا و اکثر و لقد اوجب الله تعالی لک یا جعفر فی ساعته الجنه باسرها و غفرالله لک.

فقال عَلَیْهِ السَّلَام:

یا جعفر أَلَا أَزِیدُکَ؟ قال:

نَعَمْ یَا سَیِّدِی. قال عَلَیْهِ السَّلَام:

مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْرًا فَبَکَی وَ أَبْکَی بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّهَ وَ غَفَرَ لَه». (۵۱)

ای جعفر به خدا قسم، فرشتگان مقرب خداوند اینجا شاهد بودند و شعر تو را درباره‌ی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شنیدند، همان طوری که ما گریه کردیم، فرشتگان هم گریستند بلکه آنها بیشتر از ما گریه کردند و خداوند پاداش تو را بهشت کامل قرار داد و گناهانت را بخشید.

بعد امام عَلَیْهِ السَّلَام به جعفر فرمود:

می‌خواهی ثواب بیشتر برایت بیان کنم؟

جعفر گفت:

بله.

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

هر کس درباره‌ی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام شعر بگوید و بگرید و بگریاند خداوند بهشت را بر او واجب خواهد نمود و گناهانش را می‌بخشاید.

منابع و مآخذ

فرهنگ فارسی / دکتر محمد معین / انتشارات امیرکبیر / چاپ هجدهم / سال ۱۳۸۰.

کتاب و فرهنگ معاصر عربی به فارسی

بِحارالأَنْوار / علامه محمد باقر مجلسی / انتشارات دارالکتب الاسلامیه / ۱۱۰ جلدی.

لغت نامه دهخدا / علی اکبر دهخدا / تهران ۱۳۷۷ / دانشگاه تهران.

حماسه و عرفان / آیت الله جوادی آملی / مرکز نشر اسراء / چاپ ششم / اسفند ۱۳۸۴.

صحیفه نور / امام خمینی / موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی / چاپ چهارم / ۱۳۸۵.

فلسفه‌ی شهادت و عزاداری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

حماسه حسینی / استاد شهید مرتضی مطهری / انتشارات صدرا / چاپ سی ام / دی ماه ۱۳۸۰.

شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی / جوادی آملی / مرکز نشر اسراء / چاپ سوم / آذرماه ۱۳۸۴.

منتهی الآمال / شیخ عباس قمی / انتشارات هجرت / چاپ یازدهم.

اَمَالِی شیخ مفید / محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی / بنیاد پژوهشهای اسلامی / آستان قدس رضوی / ۱۳۶۴.

پی‌نوشت

(۱) – صحیح تِرمِذی، ج ۲، ص ۳۰۷، کَنْزُ العمّال، ج ۶، ص ۲۲۱، فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۶۲، مُسْتَدْرَک الصَّحِیحَیْن، ج ۳، ص

۱۷۷ و أَسْد الغَابَة، ج ۲، ص ۱۹ و ص ۱۳۰.

(۲) – فرهنگ فارسی محمد معین، ج ۲ ص ۲۲۹۸

(۳) – کتاب و فرهنگ معاصر عربی به فارسی، آذرتاش آذر نوش، ص ۴۷۳

(۴) – لغت نامه دهخدا ج ۱۰ ص ۱۵۸۵۷

(۵) – بِحارالاَنْوار ج ۱۰ ص ۱۱۴

(۶) – الشوری / ۲۳.

(۷) – فرقان / ۵۷.

(۸) – آل عمران / ۱۴۶.

(۹) – مریم / ۴۱.

(۱۰) – مریم / ۱۶

(۱۱) – التکویر / ۱ تا ۵.

(۱۲) – التکویر / ۸ و ۹.

(۱۳) – حماسه و عرفان، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۱۰

(۱۴) – صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۹.

(۱۵) – حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۸۱.

(۱۶) – صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۷.

(۱۷) – فلسفه‌ی شهادت و عزاداری امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام، ص ۱۱۲.

(۱۸) – همان صص ۱۱۰ – ۱۱۱

(۱۹) – فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۷ / ۳ / ۱۳۷۳

(۲۰) – همان، تاریخ ۱۰ / ۴ / ۱۳۷۱

(۲۱) – حماسه و عرفان، صص ۳۱۰ – ۳۱۱.

(۲۲) – صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

(۲۳) – تحریم / ۱۱.

(۲۴) – حماسه و عرفان، ص ۳۱۱.

(۲۵) – بقره / ۲۴۹.

(۲۶) – جاثیه / ۲۴.

(۲۷) – شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، جوادی آملی، صص ۵۵ – ۶۰.

(۲۸) – حماسه و عرفان، صص ۳۱۱ – ۳۱۲.

(۲۹) – انفال / ۲۴.

(۳۰) – حماسه حسینی، ج ۱، صص ۱۸۷ – ۱۸۹، آیین عزاداری، صص ۳۵ – ۴۳.

(۳۱) – صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۳۱.

(۳۲) – توبه / ۸.

(۳۳) – شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۴۹.

(۳۴) – همان، ص ۲۴۷.

(۳۵) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵ و شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۴۷.

(۳۶) – همان، ص ۲۴۷.

(۳۷) – همان، ص ۲۴۷.

(۳۸) – همان، ص ۲۴۷.

(۳۹) – همان، ص ۲۴۷.

(۴۰) – فلسفه شهادت و عزاداری، صص ۱۱۳ – ۱۱۴.

(۴۱) – همان، ص ۱۱۵.

(۴۲) – شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۳۴ و آیین عزاداری، صص ۴۳ – ۴۷.

(۴۳) – بِحارالَانْوار ج ۴۴ ص ۲۸۷

(۴۴) – منتهی الآمال وداع حضرت عَلَیْهِ السَّلَام با اهل بیت خویش

(۴۵) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

(۴۶) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

(۴۷) – اَمَالِی، شیخ مفید، مجلس ۲۲، ح ۵.

(۴۸) – اَمَالِی، شیخ مفید، مجلس ۴۰، ح ۳.

(۴۹) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

(۵۰) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

(۵۱) – بِحارالَانْوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».